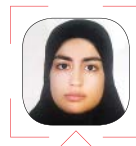




نخواندن، بهتر از خواندن کتاب‌های سمی است!

آن روی کتاب‌های کپی شده و بازار ۷۰ درصدی‌ها



فاطمه عاطفی

قفسه کتاب

حتما شما هم متوجه دستان پشت پرده خرید و فروش کتاب‌ها شده‌اید. در این مطلب قرار است دلان کتاب، ناشران غیرقانونی و کتابفروشی‌های بدون مجوز را بشناسیم.

در چند هفته اخیر، با دوسه نفر مواجه شدم که به قصد خریدن کتاب‌هایم با قیمتی بسیار ناچیز با هدیه گرفتن‌شان به سراغم آمدند. ته و تویش را درآوردم؛ به افرادی برخوردیم که با این استدلال «من علاقه زیادی به مطالعه دارم اما توان خرید ندارم» کتاب‌ها را از کاربران کتابخوان فضای مجازی می‌گیرند و با ۷۰ درصد قیمت آخرین شماره چاپ شده از آن، می‌فروشند! همین امر مسبب آن شد که برایتان از دلان کتاب بنویسم.

حتما شما هم در فروشگاه‌های اینترنتی با کتاب‌هایی مواجه شده‌اید که نام و لوگوی انتشاراتی‌شان بسیار شبیه انتشاراتی‌های بنام است اما وقتی خوب دقت می‌کنید متوجه اختلافات ناچیز اسم و رسم تقلبی‌شان می‌شوید!

چندی قبل خانمی جوان با کوله‌ای پر از کتاب در خانه را زد. از فرط کنجکاوی به کتاب‌هایش نگاهی انداختم. همه و همه کپی شده از روی کتاب‌های معتبر و مترجمان خبره بود اما نشرشان را نمی‌شناختم. از او که مدعی بود کارمند همین انتشاراتی است، خواستم آدرس فروشگاه اینترنتی یا کتابفروشی‌شان را بدهد اما به طرز عجیبی اجتناب کرد.

پس از این‌که گفت: «هر کتابی مدنظران است بگوید تا برایتان از همین نشر بیاورم»، تقاضا کردم شماره تماسی بدهد تا بتوانم با او ارتباط بگیرم. با پرخاش کتاب‌هایش را جمع کرد و گفت: «چقدر پیگیری؛ نمی‌توانم شماره‌ای به شما بدهم.» پرسیدم: «از کجا بدانم ناشر شما قانونی کتاب وارد بازار می‌کند؟» گفت: «اگر کتاب خواندن برایتان مهم است، چه فرقی می‌کند قانونی باشد یا نه؟» و به سرعت از من فاصله گرفت.

نظر شما چیست؟ شما هم گمان می‌کنید اصل کتاب خواندن مهم است و فرقی نمی‌کند قانونی باشد یا نه؟!

بیباید کتاب‌های ممنوعه و نایاب را از این قاعده مستثنی کنیم و به بقیه کتاب‌ها بپردازیم. این‌که کتاب‌ها به شدت گران هستند قبول، این‌که برای خرید کتاب باید از هزینه‌های کافه‌گردی و ... بزنیم هم قبول، اما گمان نکنم دوستداران کتاب، به بهانه وضعیت معیشتی و گرانی، به کتاب‌ها دسترسی نداشته باشند! تمام شهرها پر است از کتابخانه؛ فضای مجازی پر است از فروشگاه‌های معتبری که به مناسبت‌های مختلف تخفیفات تا ۷۰ درصد در اختیار کاربران می‌گذارند.

جدای از اینها در هر شهر، محل‌هایی برای تبادل یا خرید و فروش کتاب‌های مازاد کتابخانه‌مان وجود دارد و ما می‌توانیم کتاب‌های

بدون استفاده را با کتاب‌های جدید معاوضه کنیم. حال بیابید ببینیم انتشاراتی‌های غیرقانونی چه بر سر بازار کتاب می‌آورند. ناشران بابت هر کتابی که به بازار وارد شده، هزینه‌هایی پرداخت کرده‌اند؛ از جمله هزینه مترجم، ویراستار، طراحی جلد، پیگیری‌های قانونی، بازخوانی‌ها، چاپ و تکثیر و... که این امر سبب می‌شود در چاپ‌های اولیه کتاب، چندان سودی عایدشان نشود؛ ضمن این‌که انتشاراتی‌های معتبر برای حفظ اعتبار و محبوبیت نزد مخاطبان‌شان، روی انتخاب تک‌تک جزئیات از جمله جلد، جنس و ضخامت اوراق، نبود غلط‌های املائی و نگارشی و تایپی در متن، همکاری با مترجمان و نویسندگان صاحب‌نام و... هزینه و وقت‌گرافی هم صرف می‌کنند. اما انتشاراتی‌های زیرزمینی تنها هزینه‌ای که می‌کنند چاپ کتاب‌ها آن هم روی ضعیف‌ترین برگه‌هاست. آنها علاوه بر این‌که جلدی طراحی نمی‌کنند، مترجمی که نامش را نوشته‌اند هم در برخی موارد اصلا وجود خارجی ندارد!

واما دلان کتاب!

اگر پای درددل کتابفروشان بنشینید، می‌فهمید که به لطف فروشگاه‌های اینترنتی، کار و کاسبی‌شان کساد شده است. گره این مشکل چگونه باز می‌شود رانمی‌دانم اما می‌دانم فروشگاه‌های کتاب در فضای مجازی چنان بی‌رویه رشد کرده‌اند که کتابفروشی‌ها دیگر حرفی برای گفتن ندارند. جدای از این، کتاب‌هایی که ما از دلان کتاب می‌گیریم به شدت بی‌کیفیت و ناسالم‌اند. آنان کتاب ۲۰۰ تومانی را به «۱۵۰ تومان + ارسال رایگان» به ما می‌دهند اما برای خودشان همان کتاب ۳۰ هزار تومان هم هزینه نداشته!

حال بیابید به سؤال مان بازگردیم! اصل کتاب خواندن مهم است و فرقی نمی‌کند قانونی باشد یا خیر؟! اگر در دنیای کتاب‌ها زندگی می‌کنید، حتما می‌دانید که بازار کتاب پر شده از روان‌شناسی‌های ناکارآمد، قوانین کسب و کاری که به درد جامعه ما نمی‌خورد، کتاب‌هایی که فرهنگ درون‌شان نقطه مقابل فرهنگ ماست و رمان‌هایی که می‌توانند از هر مواد مخدري مخرب‌تر باشند که علت آن عدم نظارت بر تکثیر و نشر کتاب‌های غیرقانونی است. اگر به «مطالعه» به عنوان راهی برای رشد و توسعه فردی و ذهنی‌تان نگاه می‌کنید، باید ورودی‌های ذهن‌تان را مدیریت کنید تا خروجی باب میل‌تان را به دست آورید. با این اوصاف مهم است چه می‌خوانید و مهم است با چه فاکتورهایی دست به خرید و مطالعه کتاب‌ها می‌زنید!

دلان و ناشران غیرقانونی، توجهی روی محتوا ندارند. آنان فقط برای‌شان مهم است چه کتابی در فضای مجازی پرتعداد شده و بازار فروش چه نوع کتاب‌هایی داغ است. این‌گونه است که کتاب‌های به درد نخور، تمام بازار را قبضه کرده‌اند.

بیباید من و شما قاطی این بازی نشویم و از یاد نبریم که نخواندن کتاب، بهتر از خواندن کتاب‌های سمی است.



دلان و ناشران غیرقانونی توجهی روی محتوا ندارند. آنان فقط برای‌شان مهم است چه کتابی در فضای مجازی پرتعداد شده و بازار فروش چه نوع کتاب‌هایی داغ است. این‌گونه است که کتاب‌های به درد نخور، تمام بازار را قبضه کرده‌اند



فرامرز

درباره آنا کارنینا

داستان پوسیدگی یک فرهنگ

تولستوی سه رمان نوشته است که شاهکار خلاقیت او «آنا کارنینا» است که آن را راهم ردیف و هم قطار بهترین آثار ادبیات جهان کرده است.



شمسی چلفا

نویسنده

آنا کارنینا یکی از نمونه‌های داستان واقع‌گراست که در زمان زندگی نویسنده و در سال ۱۸۷۰ ابتدا به صورت سریالی در روزنامه‌ها چاپ می‌شد که درباره اوضاع و شرایط خانوادگی و روابط حاکم بین زن و شوهر نوشته شده است. کتاب، داستان پوسیدگی یک فرهنگ است. چیزی که آشکارا منتقد آن دوران به خوبی از عهده نقدش برآمده است. زبان در روسیه دچار فرسایش است. خانواده‌ها به جای آموزش زبان خود، معلم استخدام می‌کنند تا به فرزندان‌شان زبان فرانسه یاد بدهند.

آنا کارنینا یک داستان حماسی است بایک‌تم‌تر از دی‌عاشقانه پیراز هیجان که با قلمی ساده در ۱۴۰۰ صفحه و در دو جلد به رشته تحریر درآمده است. عشق و حماسه با هم آمیخته شده و داستانی زیبا خلق شده است. رمانی که هر کسی باید حداقل یک بار آن را مطالعه کند.

کتاب با تمام دلچسپی‌اش هیچ شباهتی با رمان‌های مدرن ندارد. توصیفات از شرایط آن قدر دقیق و عمیق نوشته شده که دیوانه‌کننده است و اگر این مقال از تولستوی نبود، می‌توانستم بدون ترس بنویسم که در توصیفات اغراق شده است. تولستوی به توصیف بدون روایت اعتقادی ندارد و ضمن توصیف، همزمان روایت می‌کند. توصیفات آواز فضایی روستا و زاغه‌نشین‌ها فوق‌العاده است و تشبیهاتش صریح و منطقی است. نویسنده به جای آن‌که همه وقایع را از زاویه دید یک نفر روایت کند. جریان‌ها را از زاویه دید ده‌ها شخصیت اصلی و فرعی بیان می‌کند.

عشق جانشین و صادقانه آن‌ها به افسر جوان، بخشی از این رمان طولانی است. منهای این بحث از خیانت، شرافت اخلاقی، مذهب و به مسائل خودشناسی نیز توجه شده است. با این‌که اسم کتاب آنا کارنینا است و در نگاه اول گمان می‌رود که زندگینامه آنا را خواهیم خواند ولی کتاب فقط به شخصیت آنا اختصاص ندارد

و حضور سه خانواده در این کتاب پرتراکم است و زندگی هر زوج به نوبت به چالش کشیده می‌شود. داستان فرازونشیب‌هایی از معضلات خانوادگی است که مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش داستان مربوط به عشق ممنوعه آنا است به شخصیتی به نام ورونسکی و تأثیر ازدواج نامشروع آن دو بر زندگی همسر آنا؛ کارنین.

زیباترین و کامل‌ترین شخصیت داستان بدفرجام می‌شود و حتی پول و شهرت فراوان هم نمی‌تواند او را از غرق شدن در باتلاق زیاده‌خواهی دل نجات بدهد و عاقبت یک راه بیشتر باقی نمی‌ماند. شخصیت بعدی کنستانتین لوین است؛ مردی شریف که در جست‌وجوی حقیقت بود و با زندگی او زندگی کردیم. شخصیتی به نام ورونسکی شخصی بود که هم برای آنا مشکل ایجاد کرد و هم برای لوین. آنا در گرداب عشق آلوده به هوس ورونسکی خود را گم کرد اما لوین توانست بخشی از مشکلاتی را که توسط او در مسیر زندگی‌اش قرار گرفته بود با موفقیت پشت سر بگذارد. «همه خانواده‌ها خوشبخت مثل هم هستند اما خانواده‌های شوربخت هرکدام بدبختی خاص خود را دارند.» این جمله آغازین کتابی است که در ادبیات جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. [۱]

